

فصلنامه علمی-پژوهشی برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)
سال چهارم، شماره چهارم، (پیاپی ۱۵)، زمستان ۱۳۹۳
تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۱۲/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۹/۱
صص: ۸۶-۶۵

ارزیابی نقش سکونتگاه‌های غیررسمی در گسیختگی فضایی ساختار شهری (مطالعه موردی: شهر گنبد کاووس)

رحیم بردی آنامرادنژاد^{۱*}، غلامرضا ملک‌شاهی^۲، عبدالحمید محمدی^۳

۱- استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه مازندران

۲- استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه مازندران

۳- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری از دانشگاه مازندران

چکیده

یکی از زمینه‌های ناپایداری توسعه شهری به ویژه در کشورهای در حال توسعه، سکونتگاه‌های غیررسمی می‌باشد. این سکونتگاه‌ها ضمن آن که سیمایی آشفته و بی‌نظم در بخش خاصی از شهر به وجود می‌آورند، لطمات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی گسترده‌ای را بر کل مجموعه شهر تحمیل می‌کنند. امروزه سکونتگاه‌های غیررسمی شهر گنبد کاووس شامل محلات افغان آباد، سیدآباد، بدلجه و چای بوئی می‌باشند. این محلات، نابرابری‌های فضایی - اجتماعی در شهر را تشدید کرده و مدیران شهری را با چالشی جدی مواجه نموده‌اند؛ لذا این پژوهش باهدف ارزیابی نقش سکونتگاه‌های غیررسمی در گسیختگی فضایی ساختار شهری گنبد کاووس انجام گرفت. روش تحقیق بکار رفته نیز؛ ترکیبی از روش‌های تحلیلی- توصیفی و پیمایشی می‌باشد تا بتواند با تجزیه و تحلیل آماری داده‌های بدست آمده به اهداف تحقیق نزدیک‌تر شود؛ لذا در این مقاله از متغیرهای مندرج در ۳۸۴ پرسشنامه (حجم نمونه) برای پیشبرد تحقیق بهره گرفته شده است. همچنین، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون کای-دو و نیز همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد اکثر زمین‌های محلات مورد نظر فاقد مجوز و سند رسمی برای ساخت و ساز می‌باشند. با این وجود از خدمات و تسهیلات شهری استفاده نموده و به رشد خود

در بدنه شهر همانند محلات دیگر ادامه می‌دهند لیکن با ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و کالبدی نابسامان خود نوعی گسیختگی را بر کل فضای شهر گنبد کاووس تحمیل نموده‌اند.

واژه های کلیدی: سکونتگاه‌های غیررسمی، گسیختگی فضایی، ساختار شهری، عناصر کالبدی، گنبد کاووس.

مقدمه

یکی از پیامدهای گسترش شهرنشینی سریع، ایجاد محله‌های حاشیه نشین با بافت نابسامان و مسکن نابهنجار است، که ساکنان آن را معمولاً مهاجران روستایی و اقشار کم درآمد شهری تشکیل می‌دهند که در محله‌های خاصی اسکان یافته‌اند (قرخلو، ۱۳۸۸: ۸۹). امروزه برای این محلات بی برنامه، خودرو و غیرقانونی اصطلاح سکونتگاه‌های غیررسمی بکار می‌رود. این سکونتگاه‌های نابسامان به گسست کالبدی پاره‌ای از نواحی مسکونی از پیکره کل شهر و کاهش میزان برخورداری از خدمات شهری - اجتماعی می‌شود (جواهری پور، ۱۳۸۲: ۱۰۴). اسکان غیررسمی پدیده‌ای جغرافیایی است که در آن الگوی سکونت نتیجه نابرابری‌های فضایی در مقیاس‌های مختلف و ضعف برنامه ریزی، در سطوح منطقه‌ای و ملی می‌باشد که در شهر نمود یافته است (دویران، ۱۳۸۸: ۳).

اسکان غیررسمی نه تنها به شکل یک فضای زیستی در حاشیه شهر، بلکه حتی در بدنه اصلی و در محدوده‌ی حریم قانونی شهرها ایجاد می‌گردد (علی اکبری، ۱۳۸۳: ۵۷). در ایران از حدود سال ۱۳۲۰ این نوع اسکان شروع و تا سال ۱۳۸۷ بین ۲۰ تا ۳۰ درصد جمعیت شهرنشین کشور، در سکونتگاه‌های نابسامان و غیررسمی زندگی می‌کنند؛ همچنین طبق اعلام وزارت مسکن و شهرسازی، بیش از ۹۰ درصد سکونتگاه‌های غیررسمی در ایران، در محدوده قانونی و مصوب شهرها احداث شده‌اند (www.udro.org.ir). ادامه این روند در بلند مدت نه تنها منجر به تصرف زمین و خدمات شهری به صورت غیرقانونی می‌گردد؛ بلکه باعث افزایش چشمگیر تعداد مساکن متزلزل و آسیب پذیر در شهرها خواهد شد.

مقاله حاضر با هدف ارزیابی نقش سکونتگاه‌های غیررسمی در گسیختگی فضایی ساختار شهری شهر گنبدکاووس صورت گرفته و روش کار توصیفی - تحلیلی بوده و با استفاده از تکمیل پرسشنامه توسط جامعه نمونه و مشاهدات میدانی اطلاعات مورد نیاز فراهم گردید.

طرح مسئله

بررسی پیوستگی و یا گسستگی مجموعه‌ها و عناصر ساختار اصلی شهر و بررسی رابطه فضایی بین اجزا با یکدیگر و یا کل شهر از محورهای اصلی تشخیص شدت و قدرت رابطه فضایی است (صادقی، ۱۳۸۰: ۱۰۹). اگرچه شبکه ارتباطی تنها عامل تعیین کننده در ساختار یک شهر نیست و عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و غیره در شکل دهی به آن دخیل می‌باشند؛ اما مهم‌ترین معرف ساختار شهری را باید شکل انتخاب شده برای شبکه حمل و نقل آن دانست.

شبکه حمل و نقل شهر گنبدکاووس با تفکرات شهرسازی جدید به صورت شطرنجی، توسط شهر سازان آلمانی و در زمان پهلوی اول طراحی گردیده است؛ لذا ساختار این شهر با حداقل معابر بن بست، حداقل کوچه های باریک و ترافیک شهری روان؛ فضای پیوسته و منظمی را نشان می‌دهد. لیکن در سال‌های اخیر ساختار شهری گنبد به دلیل توسعه های شهری بدون برنامه دچار تغییراتی و در بخش‌های حاشیه ای بافت شطرنجی نتوانست تداوم یابد.

از زمینه های ناپایداری توسعه شهری به ویژه در کشورهای در حال توسعه، سکونتگاه های غیررسمی می‌باشد؛ که به علت عدم توانایی سیاست‌های شهری برای حل و فصل مشکلات مسکن اقشار آسیب پذیر جامعه و کنترل مهاجرت‌ها شکل گرفته است. این روند در بلند مدت نه تنها منجر به تصرف زمین و خدمات شهری به صورت غیر قانونی می‌گردد؛ بلکه باعث افزایش چشمگیر تعداد مسکن متزلزل و آسیب پذیر در شهرها خواهد شد (Smolka, 2008,19).

امروزه اسکان غیررسمی را نه تنها به شکل یک فضای زیستی در حاشیه شهر، بلکه حتی در بدنه اصلی و در محدوده‌ی حریم قانونی شهرها مشاهده می‌کنیم (علی اکبری، ۱۳۸۳: ۵۷). برابر آمارها تا سال ۱۳۸۷ بین ۲۰ تا ۳۰ درصد جمعیت شهرنشین ایران، در سکونتگاه های نابسامان و غیررسمی زندگی می‌کنند. این رقم برای کل ساکنان جهان، یک میلیارد نفر است که معادل یک سوم جمعیت شهرنشین جهان است. همچنین طبق اعلام وزارت مسکن و شهرسازی، بیش از ۹۰ درصد سکونتگاه های غیررسمی در ایران، در محدوده قانونی و مصوب شهرها احداث شده‌اند (<http://udro.org.ir>).

اسکان غیررسمی، پدیده ای جغرافیایی است که در آن الگوی سکونت نتیجه نابرابری‌های فضایی در مقیاس‌های مختلف و ضعف برنامه ریزی، در سطوح منطقه ای و ملی می‌باشد که نتیجه آن‌ها در شهر نمود یافته است (دویران، ۱۳۸۸: ۳). این سکونتگاه های نابسامان به گسست کالبدی پاره ای از نواحی مسکونی از پیکره کل شهر و کاهش میزان برخورداری از خدمات شهری- اجتماعی و کیفیت سکونت و همچنین به حاشیه رانده شدن پاره ای از گروه ها می‌شود (جوهری پور، ۱۳۸۲: ۱۰۴).

این مشکلات در شهر مهاجر پذیر گنبدکاووس در حال تبدیل شدن به چالشی جدید و البته جدی برای مسئولان شهری می‌باشد. دلیل اهمیت این موضوع نیز به این خاطر است که خانوارهای مهاجر بسیاری به دلیل مشکلات اقتصادی، مسائل قومی، فرهنگی و ارزان بودن اراضی در این محلات حاشیه‌ای سکونت دارند. گسترش روز افزون این محلات نابرابری‌های فضایی را در این شهر تشدید می‌کند.

اهمیت و ضرورت

بی شک آگاهی از علل شکل گیری و اثرات پدیده های مختلف در ساختار شهرها؛ جهت شناخت نقاط قوت، ضعف و تعدیل کاستی‌ها امری ضروری و اجتناب ناپذیر است که این شناخت با ارزیابی کامل پدیده مورد نظر صورت می‌گیرد.

به عبارت دیگر در فرآیند نوین برنامه ریزی شهری، ارزیابی یکی از مراحل اساسی جهت تعیین تغییرات اتفاق افتاده در شهرها می‌باشد. کاربرد آن ضمن اصلاح الگوهای فضایی شهر و کاهش خطاهای برنامه ریزی، در انطباق هرچه بیشتر برنامه ها و طرح‌ها با شرایط زمان و مکان می‌انجامد.

امروزه یکی از پدیده های که بر کالبد، اقتصاد و فرهنگ یک شهر اثرات انکار ناپذیری می‌گذارد سکونتگاه های غیر رسمی و خودرو می‌باشد که غالباً به صورت محله های شهری، مدیریت شهر را برای به رسمیت شمردن و دادن خدمات یا عدم آن با چالش مواجه نموده است؛ لذا می‌توان گفت، پرداختن به مسئله اسکان غیر رسمی نه تنها ضرورتی بر آمده از ارزش های اعتقادی و انسانی، بلکه سازگار با منافع اجتماعی و پایداری سکونتگاه ها و توسعه ملی است (صرافی، ۱۳۸۱: ۶).

امروزه سکونتگاه های غیر رسمی پیرامون شهر گنبدکاووس ضمن آن که سیمایی آشفته و بی نظم برای منظر کل شهر ایجاد کرده و بافت شطرنجی آن را برهم زده‌اند، به دلیل تراکم بالای جمعیت و استفاده از مصالح غیر استاندارد و بدون در نظر گرفتن اصول مهندسی با مخاطرات فراوانی روبه رو هستند که در صورت وقوع اتفاقاتی چون زمین لرزه، برای جمعیت ساکن در آن مخاطره آمیز خواهد بود.

اهداف تحقیق

اهداف در نظر گرفته شده برای این پژوهش به شرح ذیل می‌باشد:

هدف کلی: ارزیابی نقش سکونتگاه های غیررسمی در گسیختگی فضایی ساختار شهری شهر گنبدکاووس.

اهداف جزئی:

- بررسی سیر شکل گیری و توسعه شهر گنبد کاووس.
- بررسی علل شکل گیری سکونتگاه های غیررسمی و حاشیه نشین شهر گنبد.
- بررسی خصوصیات اجتماعی، اقتصادی و کالبدی هر یک از سکونتگاه های غیررسمی.
- ارائه پیشنهاداتی برای بهبود وضع موجود شهر.

پیشینه تحقیق

در مورد موضوع حاشیه نشینی و سکونتگاه های غیررسمی تحقیقات زیادی توسط شهر سازان و جامعه‌شناسان در جهان و ایران صورت گرفته است. هرچند در ارتباط با نقش سکونتگاه های غیررسمی در گسیختگی فضایی در ساختار شهری موردی در تحقیقات داخل کشور موردی مشاهده نشد لیکن در ذیل به برخی از پژوهش های خارجی که به نوعی می‌تواند در پیشبرد این مقاله کمک کند اشاره می‌شود:

داگلاس (۲۰۰۶) در مقاله ای نوشته است که شهرک سازی توسط گروهی از ساکنان فقیر با خانه های متزلزل و کمبود خدمات عمومی و دفع مواد زائد سمی، بهره برداری از حاشیه رودخانه ها برای ساخت و سازها و تغییر در

دبی رودخانه و حتی آلودگی آب‌های زیر زمینی، امکان بروز سیل و رانش زمین به خاطر دست اندازی در رودخانه و کوه‌ها و غیره، دغدغه‌ای جدید برای مدیران شهری محسوب می‌شود (Douglas, 2006, 56).

ژانگ (۲۰۱۱) در تحقیق خود می‌نویسد: در چین شهرسازی و شهرنشینی پس از اصلاحات اقتصادی اواخر ۱۹۷۰ شدت گرفت و شکل‌گیری و گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی نیز پس از این دوران پدیدار گشت. از نظر ژانگ پیدایش این سکونتگاه‌ها تحت تغییر و تحول نظام سوسیالیسم به عنوان یک نتیجه اجتناب‌ناپذیر از افزایش نابرابری اجتماعی، شهرنشینی، فقر و فضاهای با خیل عظیم روستائیان مهاجر به شهرها می‌باشد. جزئیات پژوهش پیرامون نقش تأثیر گذار مسائل اقتصادی و سیاسی در عملکرد سکونتگاه‌های غیررسمی می‌باشد (Zhang, 2011).

اسمولکا و همکاران (۲۰۰۸) نیز آورده‌اند که از زمینه‌های ناپایداری توسعه شهری به ویژه در کشورهای در حال توسعه، سکونتگاه‌های غیررسمی می‌باشد؛ که به علت عدم توانایی سیاست‌های شهری برای حل و فصل مشکلات مسکن اقشار آسیب‌پذیر جامعه و کنترل مهاجرت‌ها شکل گرفته است. این روند در بلندمدت نه تنها منجر به تصرف زمین و خدمات شهری به صورت غیر قانونی می‌گردد؛ بلکه باعث افزایش چشمگیر تعداد مسکن متزلزل و آسیب‌پذیر در شهرها خواهد شد.

هم‌چنین در بعد داخلی نیز می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

زیاری و نودری (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان ساماندهی و توانمندسازی اسکان غیررسمی شهر اهواز؛ مطالعه موردی: کوی منبع آب بیان نموده‌اند که اسکان غیررسمی، از پیامدهای نامطلوب شهرنشینی در جهان معاصر است که به ویژه در نتیجه صنعتی شدن شتابان و نابرابری‌های منطقه‌ای شکل گرفته و شهرها و خصوصاً کلان‌شهرهای کشور را با مسائل عدیده‌ای مواجه ساخته است. این مقاله ضمن بررسی اسکان غیررسمی و شکل‌گیری آن در کوی آب شهر اهواز، به ارائه راهبردهایی به منظور ساماندهی و توانمندسازی آن پرداخته است. همچنین این مقاله پس از بررسی متغیرهای لازم مندرج در ۲۵۰ پرسش‌نامه، استدلال کرده که علت شکل‌گیری این پدیده‌ها در کوی منبع آب نتیجه صنعتی شدن شتابان شهر اهواز و مهاجرت‌های بی‌رویه از یک سو و مسائل و مشکلات اقتصادی و مدیریتی بوده است.

دویران (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان حاشیه‌راندانه شدن، مسئله اسکان غیررسمی و اقتصاد سیاسی فضا بیان داشته که اسکان غیررسمی به عنوان نمودی از نابرابری‌های منطقه‌ای و تمرکز رشد منحصر در مناطق ویژه شهری چون کلان‌شهرها و فقدان سلسله‌مراتب در نظام شهری و سکونتگاهی و در نتیجه وجود فاصله و شکاف بین مناطق مختلف است. این مقاله با بررسی اسناد و کتب موجود در مورد فضا، و اقتصاد سیاسی فضا و اسکان غیررسمی قصد آن را داشته تا با نگرش اقتصاد سیاسی فضا شکل‌گیری اسکان غیررسمی را تجزیه و تحلیل نماید.

شفیعا (۱۳۸۹) در پژوهشی تحت عنوان مدیریت بحران‌های احتمالی سکونتگاه‌های غیررسمی کلان‌شهر تهران، شناسایی، تحلیل، ارائه راه کار بیان داشته‌اند: بررسی آثار و ابعاد، کالبدی و اجتماعی در سکونتگاه‌های غیررسمی مطلوبیت‌های ویژه علمی و کاربردی دارد. بررسی آثار و ابعاد، کالبدی و اجتماعی در این نوع سکونتگاه‌ها، قابلیت شناخت زمینه‌های بروز بحران‌های شهری را فراهم می‌سازد. بحران‌هایی که در صورت عدم مدیریت، زمینه ساز

مشکلات فراتر از سطح محلی و منطقه ای خواهد بود. مقاله مورد بحث با بررسی این نوع سکونتگاه ها و با استناد به اطلاعات و آمار جمع آوری شده در دوره های مختلف تاریخی، اسکان غیررسمی در تهران را ناشی از مهاجرت‌های داخلی استان تهران دانسته و با تمرکز بر چرخه پیشگیری، آمادگی، مقابله و بازسازی مدیریت بحران به ارائه راهکار های مدیریتی پرداخته است.

بنی فاطمه و کمال کوهی (۱۳۸۶) نیز در پژوهش خود با عنوان تبیین عوامل، اثرات و پیامدهای حاشیه نشینی و ارائه راهکارهای تعدیل آن ضمن بررسی تعاریف حاشیه نشینی، ویژگی های این نوع اسکان را برشمرده و عوامل شکل‌گیری حاشیه نشینی را از دیدگاه مختلف بررسی و وضعیت حاشیه نشینی را در ایران ارزیابی کرده و در خاتمه نیز چند راهکار ارائه داده‌اند.

سؤالات و فرضیات تحقیق

- ۱) سکونتگاه‌های غیررسمی چه تأثیرات فضایی در ساختار شهر گنبدکاووس برجای گذاشته‌اند؟
 - ۲) چه عواملی در پیدایش سکونتگاه های غیررسمی در شهر گنبدکاووس مؤثر بوده است؟
- با توجه سؤالات تحقیق و در راستای آن‌ها، فرضیات اصلی تحقیق عبارتند از:
- سکونتگاه های غیررسمی باعث توسعه فیزیکی ناهمگون شهر گنبد شده است.
 - مهاجران روستایی و افغانی، در شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی در شهر گنبدکاووس نقش مؤثرتری داشته‌اند.

روش تحقیق

نوع تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی - توسعه ای و روش بررسی آن توصیفی - تحلیلی است. شیوه گردآوری اطلاعات و داده ها کتابخانه‌ای و میدانی می‌باشد. محدوده‌ی جغرافیایی و مکانی پژوهش، محلات افغان آباد، سیدآباد، بدلجه و چای بوئی در شهر گنبد کاووس می‌باشد. جامعه آماری پژوهش نیز، ۸۱۷۷ نفر سرپرست خانوار ساکن در این محلات و همچنین مدیران شهری و مسئولان مرتبط در شهر گنبدکاووس می‌باشد. حجم نمونه نیز برای جامعه اول از طریق رابطه کوکران (حافظ نیا، ۱۴۰، ۱۳۸۱) در این مطالعه ۳۸۴ نفر بدست آمده است.

ابزار تحقیق، پرسشنامه است که پایایی^۱ سؤالات آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ^۲ ارزیابی شده و نتایج حاصله برای متغیر وابسته (۰/۸۳۷ = ضریب آلفای کرونباخ) تأیید کننده ابزار سنجش می‌باشد. اعتبار سؤالات نیز از طریق اعتبار صوری^۳ (مراجعه به متخصصان) مورد تأیید قرار گرفته است. برای تجزیه و تحلیل و پردازش اطلاعات نیز از آزمون‌های کای-دو و همبستگی در نرم افزار Spss و برای ترسیم نقشه و نمودار از Excel و GIS استفاده شده است.

1-Reliability
2-Cronbach's Alpha Coefficient
3-Face Validity

در جامعه دوم، ابزار گردآوری اطلاعات مصاحبه است که با مدیران شهری و مسئولان در باره مشکلات و نیازهای سکونتگاه‌های غیررسمی مصاحبه گردید.

متغیرهای تحقیق

در این تحقیق به طور کلی می‌توان که شاخص‌هایی مانند مهاجرت‌های روستاییان به شهر، ناکافی بودن نظارت شهرداری بر ساخت و سازهای شهری به ویژه در نواحی حاشیه ای آن، بی توجهی سازندگان مسکن به قوانین و مقررات ساخت‌وساز از جمله دریافت پروانه ساخت و غیره از مهم‌ترین متغیرهای مستقل محسوب نمود و از هم گسیختگی ساختار شهر گنبد و عدم توازن در توسعه کالبدی آن را نیز متغیر وابسته محسوب می‌شود. گرچه ریز شاخص‌ها در متن پرسشنامه ها مطرح شده است.

محدوده مورد مطالعه

شهر گنبد کاووس با وسعت ۳۰ کیلومتر مربع، مرکز شهرستان گنبد کاووس (از شهرستان‌های شرقی استان گلستان) واقع در شمال کشورمان می‌باشد. این شهر از نظر موقعیت ریاضی در مختصات ۳۷ درجه و ۱۵ دقیقه عرض شمالی و ۵۵ درجه و ۱۰ دقیقه طول شرقی و بین شاخه اصلی گرگانرود (در شمال) و چهل چای (در جنوب) بر روی تراس‌های عریض آبرفتی واقع شده است (جاجرمی و کلت، ۱۳۸۵:۹).

مفاهیم، دیدگاه‌ها و مبانی نظری

اورری^۱، ساندرز^۲ و گیدنز^۳ سه بنیان‌گذار علوم اجتماعی نوین؛ فضا را عنصر بنیادی جامعه دانسته و گسیختگی درونی در شهرها را به دلیل تولید یا انباشت سازمان یافته سرمایه داری نوین و تداوم شکاف طبقاتی می‌دانند که باعث ایجاد فضاهای ویژه و غیرقابل دسترس در شهرها می‌شود (پاپلی یزدی و رجبی سنجرودی، ۱۳۸۶:۳۱۰). آگیولر^۴ از صاحب‌نظران عرصه شهری اعتقاد دارد شهر جهان سومی که تحت تأثیر توسعه فیزیکی، اقتصادی و رشد شتابان جمعیتی است، تقاضا و بهره برداری از زمین‌های مجاور آن افزایش می‌یابد. این نوع بهره برداری، اثرات زیست محیطی مختلف و تغییرات کالبدی مشخصی را در فضای شهری ایجاد می‌کند (Aguilar, 2008:134).

به نظر اسمولکا از زمینه‌های ناپایداری توسعه شهری به ویژه در کشورهای در حال توسعه شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی است که به علت عدم توانایی سیاست‌های شهری برای حل و فصل مشکلات مسکن اقبال آسب پذیر جامعه و کنترل مهاجرت‌ها شکل گرفته است (Smolka, 2008:101).

داگلاس نیز بر این اعتقاد است که شهرک سازی توسط گروهی از ساکنان فقیر با خانه‌ها متزلزل و کمبود خدمات عمومی و دفع مواد زائد سمی، بهره برداری از حاشیه رودخانه‌ها برای ساخت و سازها و تغییر در دبی

1 Urry

2 Saunders

3 Giddens

4 Aguilar

رودخانه و حتی آلودگی آب‌های زیر زمینی، امکان بروز سیل و رانش زمین به خاطر دست اندازی در رودخانه و کوه ها و... دغدغه ای جدید برای مدیران شهری محسوب می‌شود (Douglas, 2006).

در ارتباط با علت یابی و شناخت زمینه های حاشیه نشینی و اسکان غیررسمی، نظریه‌های مختلفی ارائه شده است که به برخی از آن‌ها در زیر اشاره می‌گردد:

دیدگاه اکولوژی: در دیدگاه اکولوژی شکل گیری نواحی فقیرنشین، به پستی ژن ساکنان آن نواحی نسبت داده می‌شود. نظریه‌پردازان این گروه معتقدند که حتی اگر گروه های مهاجر قومی و نژادی دیگری نیز در این محله ها ساکن شوند باز هم این نواحی فقیر باقی خواهند ماند. بنابراین مشکل این محله های فقیرنشین به نواحی خاص آن‌ها برمی گردد و نه به افرادی که در این نواحی ساکن اند (افروغ، ۱۳۷۷: ۹۶). این مکتب دارونیسیم اجتماعی را در مورد شهرها با سکوت به کار گرفته و شکل گیری خاص شهرها را در آزادی امپریالیسم به یک نظام طبیعی عمومی نسبت داده است (شکویی، ۱۳۷۹: ۳۱).

دیدگاه لیبرال: دیدگاه لیبرال با چرایی پیدایش سکونتگاه‌های غیررسمی درگیر نمی‌شود و واقعیت موجود (پیدایش و گسترش سکونتگاه های غیررسمی) را قهری و از تبعات نظام جهانی موجود که در مجموع مورد قبول است می‌انگارد، لذا به ارائه راه حل‌هایی در سطوح مختلف بسنده می‌کند (پیران، ۱۳۷۳: ۹۷). این امر شاید ناشی از تعهدی باشد که علم (به مفهوم جدید آن) نسبت به نظام سرمایه داری و طبقات حاکم و حاکمیت کشورهای کانونی برعهده گرفته است. بسیاری از محققان لیبرال، که از معتقدان و مبلغان مکتب کارکرد گرایی می‌باشند، علت عمده‌ی حاشیه‌نشینی را ناشی از کارکرد جاذبه های شهری و دافعه های روستایی به شمار می‌آورند. به نظر آن‌ها افزایش جمعیت یکی از علل مهمی است که زمینه را برای مهاجرت مازاد نیروی کار روستایی فراهم می‌آورد.

دیدگاه لیبرال می‌کوشد تا با ارائه راه و روش‌هایی که تنها به معلول می‌پردازد، ناهنجاری مسکن خودساز زیر استاندارد را از منظر فضایی - کالبدی و نیز از جنبه‌ی اجتماعی و زیست محیطی و بهداشتی به حداقل برساند و راهی بجوید تا چنین مناطقی به هر شکل در کل شهر و نهایتاً در نظام شهری ادغام شود. به طور کلی این دیدگاه بر این باور است که باید پدیده اسکان غیررسمی را پذیرفت و باید بهسازی و ساماندهی بدان نگرست که از این رهگذر درصدی (نه چندان چشم گیر) از ساکنان اجتماعات آلونکی محیط زندگی پذیرفتنی‌تری به کف آورده‌اند (همان منبع: ۹۸).

از مهم‌ترین چهره های دیدگاه لیبرالی، جان اف ترنر است که با مقاله مشهور خود با عنوان سکونتگاه های شهری کنترل شده به مطالعه سکونتگاه های غیررسمی، به ویژه در آمریکای لاتین و جنوب شرقی آسیا پرداخته است.

دیدگاه غیر لیبرال: برخلاف اندیشمندان لیبرال، گروه دیگری از متفکران از جمله نظریه‌پردازان مکتب وابستگی در آمریکای لاتین بیان می‌دارند که الگوی توسعه وابسته و برون‌زا، جریان صنعتی شدن وابسته، شهرنشینی شتابان و ناهمگون را به دنبال دارد و به موازات رشد نامتعادل، نابرابری درآمد ها افزایش می‌یابد و عدم تعادل‌های ساختاری جامعه شتاب می‌گیرد (حاج یوسفی، ۱۳۸۱: ۱۷).

در این دیدگاه، اسکان غیررسمی شهری در واقع فرآیند انتقال فقر و محرومیت روستا به شهرهاست. به طوری که بر اثر عملکرد نظام‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نامتوازن و ناعادلانه، جمعیت شناور شهرها از جمله روستاییان تهی دست مهاجر ساختار، روابط و کارکرد های اجتماعی متضادی را در شهرها پدید می‌آورده‌اند. این مهاجران در جامعه شهری جذب و ادغام نشده‌اند و در فضاهایی فاقد ساختار سکونتی متعارف زندگی می‌کنند. آنان بر روی زمین دیگران، با خودسازی و خودیاری سکونتگاه های نامتعارف و محقر شهری را پدید می‌آورند که در عین حال مأمونی هم برای سایر مهاجران تازه وارد به شمار می‌رود (قرخلو، ۱۳۸۸: ۳).

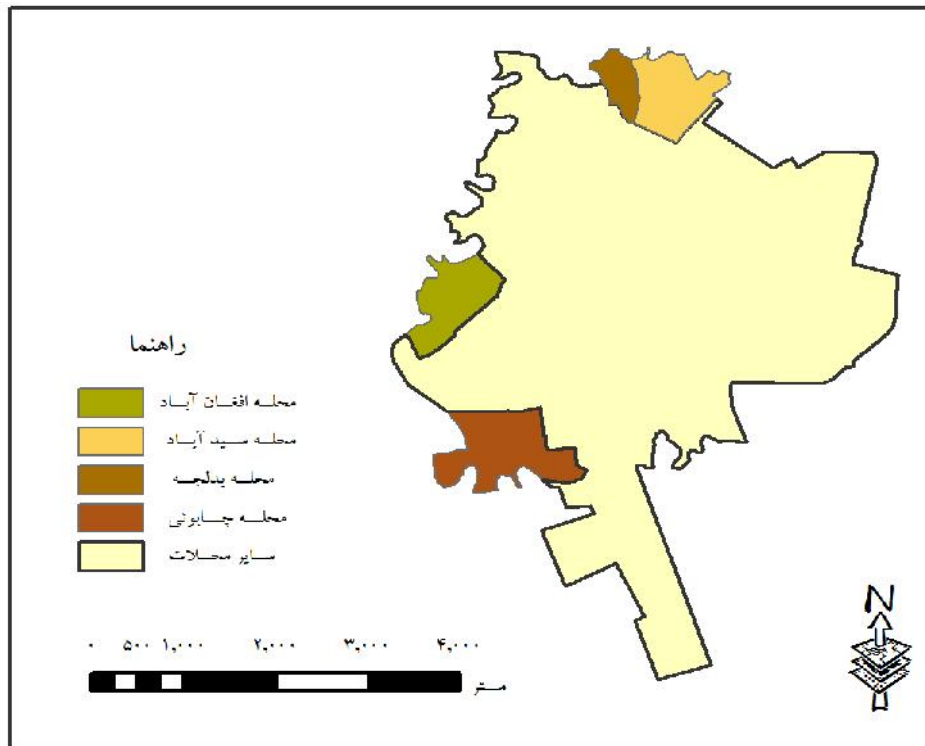
دیدگاه رادیکال: رادیکالیست‌ها، که عمدتاً از دیدگاه اقتصاد سیاسی به مسائل می‌نگرند، اگر چه در قبول این اصل، که حاشیه نشینی در کشورهای در حال توسعه، نتیجه‌ی مهاجرت از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ می‌باشد، با لیبرالیست‌ها هم عقیده هستند، لیکن برخلاف لیبرالیست‌ها، این مهاجرت‌ها را ناشی از خصوصیات کارکردی شهرها نمی‌دانند، بلکه ساختار اقتصادی نابسامان کشورهای در حال توسعه را، که ناشی از ادغام کشورهای مزبور در نظام اقتصادی و تجارت جهانی است، در این امر دخیل می‌دانند. تحلیل گران اقتصاد سیاسی معتقدند: هنگامی که مناطق دارای اقتصاد معیشتی به جرگه‌ی بازار وارد می‌شوند تولیدات بومی جای خود را غالباً به یکی دو محصول عمده خواهند داد و جمعیت زیادی به علت دگرگونی ساخت‌های تولیدی، به صورت نیروی کار آزاد شده درآمده، موج‌های عظیم مهاجرتی را موجب می‌شوند (محمدی، ۱۳۸۷: ۱۵).

بحث

در این تحقیق منظور از سکونتگاه‌های غیررسمی افراد و خانوارهایی هستند که در محلات اطراف شهر گنبد در سکونتگاه‌هایی غیر متعارف و نامناسب سکنی دارند؛ البته به لحاظ دسترسی به خدمات زیر ساختی در شرایط حاد و بحرانی به سر نمی‌برد. بر همین اساس محلات اسکان غیر رسمی شهر را به صورت ذیل تقسیم نموده‌ایم:

- **گونه روستاهای توسعه یافته:** ویژگی عمده این گونه محلات بافت کاملاً روستایی و ارگانیک، وجود زمین‌های زراعی و باغات در کنار بافت مسکونی و نوع زندگی ساکنین است که همچنان به کشاورزی و دامداری در محل زندگی خود می‌پردازند از جمله این محلات به چای بوئی و تا حدودی بدلجه می‌توان اشاره نمود.

- **گونه محلات مهاجرنشین:** اکثریت ساکنان این محلات را مهاجران تشکیل داده‌اند. در این مورد می‌توان به محله سیدآباد و محله افغان آباد اشاره نمود (شکل ۱).



شکل ۱- موقعیت سکونتگاه‌های غیررسمی شهر گنبد کاووس

مأخذ: یافته‌های میدانی نگارندگان

ساختار اجتماعی محلات

الف. توزیع فضایی جمعیت: در چهار محله غیررسمی افغان آباد، سیدآباد، بدلجه و چای بوئی شهر گنبد کاووس در حدود ۸۱۷۷ نفر سکونت دارند که ۴۱۰۱ نفر مرد و ۴۰۷۶ زن می‌باشد و نسبت جنسی در آن‌ها ۱۰۰/۶ است (جدول ۱).

جدول ۱- وضعیت جمعیتی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر گنبد کاووس در سال ۱۳۸۵

نام محلات	جمعیت	مرد	زن	نسبت جنسی
افغان آباد	۲۶۰۹	۱۳۴۰	۱۲۶۹	۱۰۵/۶
سیدآباد	۱۹۵۳	۹۵۸	۹۹۵	۹۶/۳
بدلجه	۱۸۳۴	۹۰۶	۹۲۸	۹۷/۶
چای بوئی	۱۷۸۱	۸۹۷	۸۸۴	۱۰۱/۵
جمع محلات	۸۱۷۷	۴۱۰۱	۴۰۷۶	۱۰۰/۶
شهر گنبد کاووس	۱۲۹۱۶۷	۶۴۶۴۷	۶۴۵۲۰	۱۰۰/۲

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵ و یافته‌های میدانی نگارندگان

ب. ترکیب قومی: جمعیت ساکن در این محلات از خاستگاه‌های قومی و جغرافیایی متعدد و متفاوتی هستند. لیکن اگر بخواهیم به صورت تفکیک عنوان کنیم؛ در محله افغان آباد بیشتر ساکنان تبعه افغانی و مهاجر می‌باشند. در محله سیدآباد اکثریت ساکنان زابلی (سیستانی) و بلوچ می‌باشند هرچند قومیت‌های دیگری چون فارس و ترک نیز دیده می‌شوند. در محله بدلجه اکثریت ساکنان ترکمن هستند. در محله چای بوئی نیز اکثریت با ترکمن‌ها و بعد از آن قزاق‌ها می‌باشد.

ج. وضعیت مهاجرت: طبق سرشماری سال ۱۳۸۵ از کل مهاجران وارد شده طی یک دهه به شهر گنبد کاووس ۳۷/۸ درصد از شهرستان محل سرشماری بوده و ۲۳/۶ درصد از سایر شهرستان‌های استان، ۳۷/۹ درصد از شهرستان‌های سایر استان‌ها، ۰/۵ درصد نیز از خارج کشور و ۰/۲ درصد اظهار نشده بود (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). همچنین در مطالعات میدانی صورت گرفته از طریق پرسشنامه‌های توزیع شده؛ محل تولد پاسخ دهندگان مد نظر قرار گرفت. نتایج مستخرج از این پرسشنامه‌ها نشان داد در بین این سکونتگاه‌ها بیشترین میزان افراد مهاجر، مربوط به محلات افغان آباد و سیدآباد می‌باشد (جدول ۲).

جدول ۲- توزیع پاسخگویان بر اساس محل تولد در محلات غیررسمی شهر گنبد کاووس

نام محلات	شهرستان سرشماری	سایر شهرستان‌های استان	شهرستان‌های سایر استان‌ها	خارج از کشور	اظهار نشده
افغان آباد	۳۹/۲	۱۲/۸	۱۴/۵	۲۸/۶	۴/۹
سید آباد	۱۵/۵	۳۲/۶	۴۵/۳	۱/۲	۵/۴
بدلجه	۶۳/۳	۲۵/۹	۸/۵	۰	۲/۳
چای بوئی	۷۳/۴	۲۰/۸	۰	۲/۵	۳/۳
میانگین محلات	۴۷/۸	۲۳	۱۷	۸	۳/۹۷

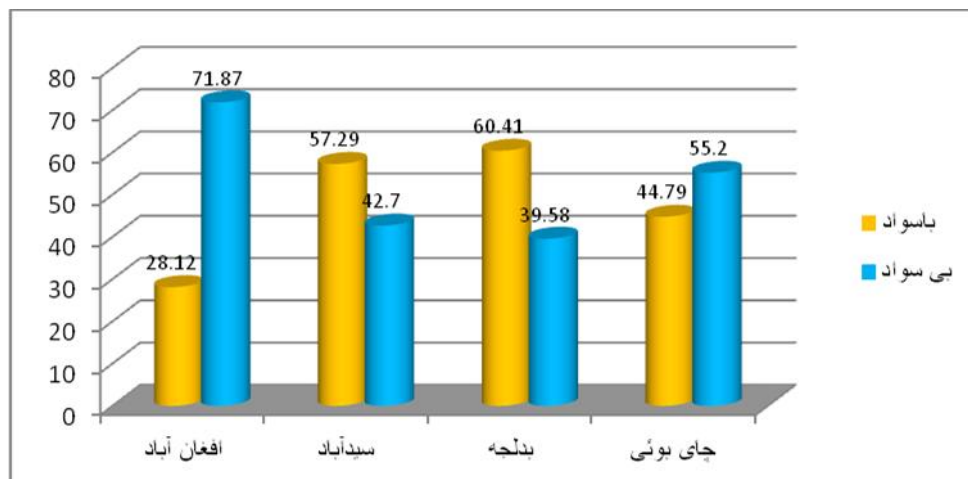
مأخذ: یافته‌های میدانی نگارندگان

د. سطح سواد: وضعیت سواد از عوامل تأثیر گذار در شیوه زندگی ساکنان محلات شهری و نحوه برخورد آنان با مسائل مختلف شهر می‌باشد. طبق بررسی‌های انجام گرفته سکونتگاه‌های غیر رسمی شهر گنبد کاووس از نظر سواد در حد نسبتاً قابل قبولی قرار دارند؛ لیکن هنوز معضل بی سوادی در بین افراد میان سال و بالاتر چشمگیر می‌باشد. بنابراین با توجه به اهمیت سطح سواد سرپرست خانوار و ارتباط نزدیک آن با سطح شغل و درآمد افراد و کیفیت زندگی خانواده‌ها؛ وضعیت سواد در بین سرپرستان خانوار مورد بررسی قرار گرفت که نتایج نشان داد: در سطح محله افغان آباد ۲۸/۱۲ درصد سرپرستان باسواد و ۸۷/۷۱ درصد بی سواد می‌باشند. در محله سیدآباد ۵۷/۲۹ درصد این افراد باسواد و ۴۲/۷۰ درصد بی سواد بودند. در محله بدلجه ۶۰/۴۱ درصد باسواد و ۳۹/۵۸ درصد بی سواد می‌باشند. در محله چای بوئی نیز ۴۴/۷۹ درصد سرپرستان خانوار باسواد و ۵۵/۲۰ درصد هستند (جدول ۳).

جدول ۳- وضعیت سواد سرپرستان خانوار در سکونتگاه های غیررسمی شهر گنبد کاووس، ۱۳۹۰

نام محلات	باسواد		بی سواد	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
افغان آباد	۲۷	۲۸/۱۲	۶۹	۷۱/۸۷
سیدآباد	۵۵	۵۷/۳	۴۱	۴۲/۷
بدلجه	۵۸	۶۰/۴۱	۳۸	۳۹/۵۸
چای بوئی	۴۳	۴۴/۸	۵۳	۵۵/۲
کل محلات	۱۸۳	۴۷/۶۵	۲۰۱	۵۲/۳۵

مأخذ: یافته های میدانی نگارندگان



شکل ۲- وضعیت سواد سرپرستان خانوار در سکونتگاه های غیر رسمی شهر گنبد کاووس

مأخذ: یافته های میدانی نگارندگان

ساختار اقتصادی محلات

الف) وضعیت شغلی: در محلات غیر رسمی شهر گنبد کاووس افرادی با طیف‌های مختلف شغلی ساکن هستند. به عنوان نمونه در محله افغان آباد شغل اغلب سرپرستان خانوار کفاشی، دست‌فروشی، کارگری، بنایی و خرید و فروش دام می‌باشد.

در محلات سیدآباد، بدلجه و چای بوئی وضع کمی بهتر می‌باشد و افرادی با شغل‌هایی چون مغازه داری، رانندگی، تعمیرکاری و بعضاً کارمندان مهاجر سکونت دارند. در حالت کلی در این محلات بیشترین درصد شغلی در میان سرپرست‌های خانوار مربوط به شغل آزاد (۴۱/۷) می‌باشد. بعد از آن بیشترین درصد مربوط به کارگران ساده (۲۶/۳) است. در رده های بعدی نیز کشاورزی، دامداری و... (۲۱/۶) قرار دارد (جدول ۴).

جدول ۴- توزیع پاسخگویان بر اساس وضعیت شغلی سرپرست خانوار در سکونتگاه‌های غیررسمی

نام محلات	کارگر ساده		شغل آزاد		کارمند		بیکار		کشاورزی، دامداری	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
افغان آباد	۴۴	۴۵/۸	۲۷	۲۸/۱	۰	۰	۰	۰	۲۵	۲۶
سیدآباد	۳۲	۳۳/۳	۳۳	۳۴/۳	۲۱	۲۱/۹	۲	۲	۸	۸/۳
بدلجه	۱۶	۱۶/۶	۴۸	۵۰	۱۴	۱۴/۶	۰	۰	۱۸	۱۸/۷
چای بوئی	۹	۹/۴	۵۲	۵۴/۲	۳	۳/۱	۰	۰	۳۲	۳۳/۳
کل محلات	۱۰۱	۲۶/۳	۱۶۰	۴۱/۷	۳۸	۹/۹	۲	۰/۵	۸۳	۲۱/۶

مأخذ: یافته‌های میدانی نگارندگان

ب. وضعیت درآمد سرپرست خانوار: طبق بررسی‌های میدانی صورت گرفته در بین محلات غیررسمی شهر گنبدکاووس، بیشترین خانواده‌های با درآمد پایین و فقیر مربوط به محله افغان آباد است. شاید دلیل این امر، نداشتن تحصیلات کافی سرپرست خانوار و محرومیت از پذیرش در بسیاری از مشاغل مرتبط با سطح سواد باشد. در حالت کلی میزان درآمد اکثر خانوارهای ساکن در محلات غیررسمی متوسط و متوسط روبه پایین است (جدول ۵).

جدول ۵- توزیع پاسخگویان بر اساس میزان درآمد سرپرست خانوار در هر ماه در سکونتگاه‌های غیررسمی

نام محلات	زیر ۳۰۰ هزار تومان		۳۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان		۶۰۰ هزار تا یک میلیون تومان		یک میلیون و بالاتر	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
افغان آباد	۶۲	۶۴/۵	۲۹	۳۰/۲	۵	۵/۲	۰	۰
سیدآباد	۹	۹/۴	۴۶	۴۷/۹	۳۱	۳۲/۳	۱۰	۱۰/۴
بدلجه	۲۱	۲۱/۸	۴۰	۲۸/۱	۲۷	۲۸/۱	۸	۸/۳
چای بوئی	۱۷	۱۷/۷	۵۱	۲۲/۹	۲۲	۲۲/۹	۶	۳/۲۵
کل محلات	۱۰۹	۲۸/۴	۱۶۶	۴۳/۲	۸۵	۲۲/۱	۲۴	۶/۲

مأخذ: یافته‌های میدانی نگارندگان

ساختار فضایی - کالبدی

الف) وضعیت مالکیت زمین و واحدهای مسکونی: نوع مالکیت زمین یکی از مشخصات سکونتگاه‌های غیررسمی است که معمولاً ساکنان این محلات دارای سند رسمی نبوده و یا در زمین‌های کشاورزی ساکن شده‌اند که دارای سند مشاع بوده و از سوی شهرداری مجوزی برای تغییر کاربری یا ساخت مسکن داده نشده و این افراد

خود اقدام به تفکیک سنتی بدون رعایت استانداردهای لازم نموده و بعضاً به خرید و فروش یا تصاحب غیرقانونی دست زده‌اند. نتیجه این امر بافت روستایی با زمین‌های کشاورزی و معابر غیر استاندارد در شهرهاست. بنابراین در مطالعات پیمایشی صورت گرفته در محلات مورد نظر؛ نوع مالکیت قطعات (مسکونی و غیرمسکونی) در چهار گروه عمده به شرح رسمی (سنددار)، قولنامه‌ای، بدون سند و سایر مورد بررسی قرار گرفته است. در ذیل به بررسی وضعیت مالکیت قطعات مسکونی و غیرمسکونی هر یک از این سکونتگاه‌ها پرداخته شده است (جدول ۶).

جدول ۶- وضعیت مالکیت زمین و واحدهای مسکونی در محلات غیررسمی شهر گنبدکاووس

نام محلات	سنددار		قولنامه‌ای		بدون سند		سایر	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
افغان آباد	۳۰/۲	۲۹	۱۷/۷	۱۷	۴۷/۹	۴۶	۴	۴/۱۶
سیدآباد	۶/۲	۶	۱۲/۵	۱۲	۶۵/۶	۶۳	۱۵	۱۵/۶
بدلجه	۴۲/۷	۴۱	۸/۳	۸	۲۵	۲۴	۲۳	۲۳/۹
چای بوئی	۵۵/۲	۵۳	۳/۱	۳	۳۱/۲	۳۰	۱۰	۱۰/۴
کل محلات	۳۳/۶	۱۲۹	۱۰/۴	۴۰	۴۲/۴	۱۶۳	۵۲	۱۳/۵

مأخذ: یافته‌های میدانی نگارندگان

ب) نحوه نظارت شهرداری: نظارت شهرداری بر احداث واحدهای مسکونی با توجه به نتایج حاصل از مطالعات میدانی ناکافی و در حد مطلوب نمی‌باشد. به طوری که در محله افغان آباد ۷۳/۹۵ درصد ساختمان‌ها فاقد پروانه و شناسنامه ساختمان هستند در محله سیدآباد نیز ۵۶/۲۵ درصد ساختمان‌ها فاقد پروانه و شناسنامه ساختمان می‌باشند. در محله بدلجه ۴۶/۸۷ درصد ساختمان‌ها پروانه و شناسنامه ساختمان ندارند در چای بوئی نیز ۳۵/۴۱ درصد فاقد این مجوز برای ساخت و ساز می‌باشند (جدول ۷).

جدول ۷- وضعیت پروانه ساخت در محلات غیررسمی

نام محله	دارای پروانه و شناسنامه ساختمان		فاقد پروانه و شناسنامه ساختمان	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
افغان آباد	۲۶	۲۵	۷۳/۹۵	۷۱
سید آباد	۴۳/۷۵	۴۲	۵۶/۲۵	۵۴
بدلجه	۵۳/۱۲	۵۱	۴۶/۸۷	۴۵
چای بوئی	۶۴/۵۸	۶۲	۳۵/۴۱	۳۴
کل محلات	۴۶/۹	۱۸۰	۵۳/۱	۲۰۴

مأخذ: یافته‌های میدانی نگارندگان

ج. وضعیت کیفیت بنا: کیفیت بنا از شاخص‌های مهم در تمایز سکونتگاه‌های غیر رسمی از رسمی می‌باشد. هرچند در بسیاری از کشورهای دنیا و حتی شهرهای کشور خودمان این سکونتگاه‌های حاشیه ای دارای مسکنی با نازل‌ترین کیفیت و به عبارتی زاغه و حلبی آباد می‌باشند؛ لیکن در شهر گنبد کاووس و نه حاشیه های آن چنین ساختمان‌هایی به ندرت دیده می‌شود. ساختمان‌های این محلات حداقل از لحاظ نوع ساخت و کیفیت در حد قابل قبولی قرار دارند. در این محلات کیفیت بنا در ۶ دسته کلی تقسیم و مورد بررسی قرار گرفت: ۱- در حال ساخت ۲- نوساز (واحدهای کمتر از ۵ سال)، ۳- قابل نگهداری (واحدهای با عمر ۵ تا ۲۵ سال)، ۴- مرمتی (واحدهای با عمر ۲۵ تا ۵۰ سال)، ۵- تخریبی (بالای ۵۰ سال) ۶- مخروبه، مورد مطالعه قرار گرفت.

جدول ۸- کیفیت بنا در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر گنبد کاووس

کیفیت بنا	افغان آباد	سیدآباد	بدلجه	چای بوئی	میانگین محلات
در حال ساخت	۶/۱۴	۴/۲۳	۸/۷۵	۱۰/۱۶	۷/۳۲
نوساز	۱۶/۳	۳۶	۲۲/۷۶	۲۱/۲۶	۲۴
قابل نگهداری	۵۰/۱	۴۵/۱۵	۶۲/۱	۵۱/۱۹	۵۲/۱۴
مرمتی	۱۵/۲	۴/۱۷	۵/۱۶	۱۱/۹۷	۹/۱۳
تخریبی	۱۱/۵	۹/۱۲	۱/۲	۵/۴۲	۶/۸۱
مخروبه	۰/۷۲	۱/۲۹	۰	۰	۰/۰۵
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های میدانی نگارندگان

د) وضعیت کاربری‌ها: مساحت و سرانه کاربری‌ها بنا به خصوصیات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر شهر و محله باهم تفاوت دارند. بنابراین به منظور برخورد واقع‌بینانه در برنامه ریزی، شناخت و مطابقت آن‌ها ضرورت دارد. با این وجود هر محله شهری باید حداقل استانداردها را از لحاظ کمی و کیفی رعایت نماید. البته دلیلی هم ندارد که بعضی از فعالیت‌ها مانند بیمارستان یا جایگاه توزیع بنزین، در سطح محله یا زیر محله در نظر گرفته شود. ولی در عوض عمده‌فروشی‌ها یا مراکز اداری شهر باید به نسبت شهر یا مناطق شهری دارای عملکرد گردند. بعضی از خدمات مانند بقالی، کتابخانه، زمین ورزشی، و مسجد؛ بر حسب نوع عملکرد خود در سطح تمام فضاها (محله کوچک، محله، ناحیه و...) در نظر گرفته می‌شوند (شیعه، ۱۳۸۰: ۱۳۵). در محلات مورد مطالعه مساحت کاربری‌ها با یکدیگر تفاوت معناداری را نشان می‌دهد و از سرانه‌های استاندارد کشوری برای هر کاربری دور می‌باشد.

بالا بودن مساحت و سرانه کاربری مسکونی و پایین بودن مساحت و سرانه کاربری ورزشی و فضای سبز خود دلیلی بر رعایت نشدن استانداردهای فضایی کاربری‌ها حداقل از بعد کمی می‌باشد. سرانه کاربری مسکونی در محله افغان آباد ۱۴۷/۷۶، در محله سیدآباد ۱۶۰/۹۹، در محله بدلجه ۱۴۱/۲۸ و در چای بوئی ۲۰۲/۷۱ مترمربع است که

طبیعتاً از استانداردهای کشوری (۴۰ تا ۵۰ متر) بالاتر می‌باشد و زمینه کمبود در سایر کاربری‌ها را فراهم آورده است (جدول ۹).

جدول ۹- مقایسه سرانه های کاربری های موجود و سرانه های استاندارد در سکونتگاه های غیررسمی

سرانه های استاندارد در ایران (مترمربع)	چای بوئی		بدلجه		سیدآباد		افغان آباد		نوع کاربری
	جمعیت: ۱۷۸۱ نفر		جمعیت: ۱۸۳۴ نفر		جمعیت: ۱۹۵۳ نفر		جمعیت: ۲۶۰۹ نفر		
	مساحت	سرانه	مساحت	سرانه	مساحت	سرانه	مساحت	سرانه	
۴۰-۵۰	۲۰۲/۷۱	۳۶۱۰۳۰/۶	۱۴۱/۲۸	۲۵۹۱۲۱/۳	۱۶۰/۹	۸۲۴۴۱۳/۷	۱۴۷/۷۶	۶۲۵۵۸۳/۸	مسکونی
۲-۴	۱/۲۱	۲۱۶۰/۹	۲/۵۷	۴۷۲۰/۷	۱/۹۸	۳۸۷۶/۲	۱۱/۲	۲۹۰۲۱/۸	تجاری
۳-۵	۲/۵۷	۴۵۷۸/۷	۴/۶۰	۷۴۵۰/۵	۲۸/۳۲	۵۵۳۱۸/۷	۶/۵۷	۱۷۱۴۲/۱	آموزشی
۱-۰/۶	۲/۳۶	۴۲۰/۷	۱/۸	۳۳۰۲/۲	۰/۷۷	۱۵۰۴/۸	۱/۴۷	۳۸۴۸/۵	مذهبی
۲-۲/۵	۱/۹۷	۳۵۱۱/۳۴	۱/۳۸	۲۵۴۷/۴	۱/۹۲	۳۷۵۵/۲	۰/۹۷	۲۵۴۷/۴	ورزشی
۷-۱۲	۰	۰	۰	۰	۱/۴۷	۲۸۷۳/۴	۰	۰	فضای سبز
۲۰-۲۵	۳۵/۲۳	۶۲۷۴۴/۶۳	۲۲/۱۶	۴۰۶۴۹/۱	۴۲/۵۲	۸۳۰۵۷/۷	۵۲/۲۷	۱۳۶۳۸۷/۶	معابر

مأخذ: یافته های میدانی نگارندگان

۵. کیفیت شبکه معابر: طبق مطالعات میدانی شبکه معابر این سکونتگاه ها با یکدیگر از لحاظ کیفیت تفاوت های عمده ای دارند. به خصوص در محله افغان آباد شبکه معابر از وضعیت بسیار نامناسبی برخوردار می‌باشد. در این محله و تا حدودی سه محله دیگر به دلیل انجام ساخت و سازهای خارج از محدوده مصوب طرح تفصیلی شهر گنبد کاووس پارامترهایی مانند عرض، زیر سازی ها، زوایا، تقاطع ها، شیب طولی و عرضی و ... در ساخت این معابر رعایت نشده است. در این محلات بجز خیابان های اصلی اکثر کوچه ها آسفالت ندارند و خاکی هستند. این معابر به دلیل جاری بودن فاضلاب برخی منازل در آن ها مأمّن حیوانات و حشرات موذی بوده و از لحاظ بهداشتی به خصوص در محله افغان آباد شرایط وخیمی وجود دارد. کوچه های خاکی در زمان بارندگی غیر قابل تردد بوده و آب آن ها مجدداً به منازل برگشته و مشکلات فراوانی را برای ساکنان آن به همراه دارد. در بررسی مشکلات ساختاری شبکه معابر؛ شاخص های ناهمواری و وجود گودال در معابر، نبود جدول بندی مناسب، نبود آسفالت در برخی معابر، تجمع و انباشت زباله، آب گرفتگی معابر در هنگام بارندگی، عدم روشنایی معابر، دفع فاضلاب منازل در کوچه ها از طریق آزمون کای- دو مورد سنجش قرار گرفت (جدول ۱۰).

جدول ۱۰- مشکلات ساختاری شبکه معابر محلات غیر رسمی

درجه معناداری Sig	Chi-square	درجه آزادی df	میانگین	فراوانی داده‌های مشاهده شده					شاخص
				خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
۰/۰۰۰	۳۱۳/۲۳	۲	۱/۲۸	-	-	۱۰	۸۹	۲۸۵	ناهمواری و وجود گودال در معابر
۰/۰۰۰	۱۷۷/۷۶	۲	۱/۹۷	-	-	۶۱	۲۵۱	۷۲	نبود جدول بندی مناسب
۰/۰۰۰	۱۶۹/۲۲	۳	۱/۷۵	-	۱۰	۶۸	۱۲۵	۱۸۱	نبود آسفالت در معابر
۰/۰۰۰	۲۳۸/۵۴	۲	۱/۳۷	-	-	۲۵	۹۴	۲۶۵	تجمع و انباشت زباله
۰/۰۰۰	۹۷/۱۷	۴	۳/۳۰	۶۰	۱۱۰	۱۳۴	۴۷	۳۳	آب گرفتگی معابر در هنگام بارندگی
۰/۰۰۰	۱۵۷/۹۳	۲	۱/۵۰	-	-	۵۲	۹۰	۲۴۲	عدم روشنایی معابر
۰/۰۰۰	۲۰۰/۹۲	۴	۲/۴۶	۱۸	۴۱	۹۵	۱۷۶	۵۴	دفع فاضلاب منازل در کوچه‌ها

مأخذ: یافته‌های میدانی نگارندگان

آزمون فرضیات

۵ الف. فرضیه اول: «سکونتگاه‌های غیررسمی باعث توسعه فیزیکی ناهمگون شهر گنبد کاووس شده است.» در شهر گنبد ساخت و سازهای بدون نظارت شهرداری و گسترش مسکن بدون پروانه (افغان آباد: ۷۳/۹۵؛ سیدآباد: ۶۵/۲۵؛ بدلجه: ۶/۸۷؛ چای بوئی: ۳۵/۴۱) از یک سو و عدم اجرای کامل طرح تفصیلی شهر در مناطق مذکور از سوی دیگر، باعث توسعه ناموزون شهر در حریم رودخانه‌های گرگان رود و چهل چای و تخریب زمین‌های کشاورزی و منابع طبیعی گردیده است (شکل ۳).



شکل ۳- عکس ماهواره ای شهر گنبد کاووس

هم‌چنین بافت شطرنجی و منظم شبکه معابر شهری گنبد کاووس با این نوع توسعه‌های بدون برنامه در محلات حاشیه‌ای تبدیل به معابر بی‌نظم، کم‌عرض و ارگانیک شده است (شکل ۳ و ۴)؛ لذا با توجه به مطالب فوق و با استناد به شکل‌های ۳ و ۴ فرضیه اول: «سکونتگاه‌های غیررسمی باعث توسعه فیزیکی ناهمگون شهر گنبد کاووس شده است.» مورد تأیید قرار می‌گیرد.



شکل ۴- نقشه بافت شطرنجی و توسعه ناهمگون شهر گنبد کاووس

ب. فرضیه دوم: «مهاجران روستایی و افغانی، در شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی در شهر گنبد کاووس نقش مؤثرتری داشته‌اند.» به منظور آزمون این فرضیه، ابتدا تمامی عوامل متأثر از ورود مهاجران به لحاظ اجتماعی، اقتصادی و کالبدی فهرست گردید سپس، در مدل تفهیمی که در آن روابط و تأثیرات متقابل این عوامل در یکدیگر مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت به صورت شکل ۵ به نمایش درآمد. تمامی عوامل موجود در این مدل در نهایت به شکل‌گیری محلات غیررسمی و از هم گسیختگی کالبدی شهر گنبد شده‌اند.

عمده خواهند داد و جمعیت زیادی به علت دگرگونی ساخت‌های تولیدی، به صورت نیروی کار آزاد شده درآمده، موج‌های عظیم مهاجرتی را موجب می‌شوند.

در شهر گنبد کاووس نیز، علاوه بر مهاجرت‌های داخلی، مهاجرت پناهندگان افغان نیز منجر به پیدایش محلات حاشیه نشین شده است. ضعف مدیریت شهری در جلوگیری از توسعه محلات غیررسمی نیز به شکل‌گیری این محلات کمک کرده است. نتایج تحقیق میدانی نشان می‌دهد که بین ورود مهاجران و شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی ارتباط معنی‌داری وجود دارد. با توجه به نتایج آزمون کای دو در می‌یابیم که چون Sig بدست آمده برابر صفر است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بین ورود مهاجران و شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی ارتباط معنی‌داری وجود دارد و ضریب همبستگی بین مهاجرت و سکونتگاه‌های غیررسمی برابر $r = 0/42$ می‌باشد. این همبستگی گرچه قوی نیست ولی در هر حال تأثیر مهاجرت‌ها را در شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی نشان می‌دهد.

یکی از نتایج شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی در شهر گنبد، ساخت و سازهای بدون نظارت شهرداری و گسترش مساکن بدون پروانه در محلات افغان‌آباد: ۷۳/۹۵؛ سیدآباد: ۶۵/۲۵؛ بدلجه: ۶۶/۸۷؛ و چای بوئی: ۳۵/۴۱ از یک سو و عدم اجرای کامل طرح تفصیلی شهر در مناطق مذکور از سوی دیگر است که باعث توسعه ناموزون شهر در حریم رودخانه‌های گرگان رود و چهل چای و تخریب زمین‌های کشاورزی و منابع طبیعی گردیده است.

سکونتگاه‌های نابسامان به گسست کالبدی پاره‌ای از نواحی مسکونی از پیکره کل شهر و کاهش میزان برخورداری از خدمات شهری - اجتماعی و کیفیت سکونت و همچنین به حاشیه رانده شدن پاره‌ای از گروه‌ها می‌شود. بررسی‌های اجتماعی و اقتصادی بر اساس مطالعات میدانی شکاف عمیقی را میان سکونتگاه‌های غیررسمی و بخش رسمی شهر گنبد کاووس نشان می‌دهد.

مشکلات اصلی سکونتگاه‌های غیررسمی گنبد کاووس از لحاظ اجتماعی، اقتصادی و کالبدی به شرح زیر می‌باشد:

الف) اجتماعی: اعتیاد و فروش مواد مخدر، بیکاری، فقدان امنیت، عدم تجانس‌های فرهنگی و بی‌سوادی، نبود فضاهای آموزشی، تفریحی و فضای سبز کافی

ب) اقتصادی: درآمد پایین سرپرست‌های خانوار، بیکاری، هزینه حمل و نقل بالاتر به دلیل دوری از مرکز شهر
ج) کالبدی: وضعیت نامناسب معابر محلات به لحاظ شیب، عرض، جدول بندی، روشنایی و ...، کیفیت پایین ساختمان‌ها به لحاظ عمر بنا، مصالح بکار رفته و ...، ساخت و سازهای غیر قانونی و بدون پروانه.

پیشنهادات

برای رفع مشکلات سکونتگاه‌های غیررسمی قبل از هر چیز باید از شکل‌گیری این سکونتگاه‌ها در داخل و یا بیرون محدوده شهرها جلوگیری نمود، جهت این امر می‌توان روش‌های زیر را اجرا نمود:

- نظارت و هدایت مهاجرت‌ها به شهر گنبد کاووس توسط مسئولان شهری.

- نظارت بیشتر به جابجایی‌های جمعیتی بین محلات.
- ایجاد پایگاه آماری دقیق از ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی محلات شهر.
- تغییر روش تهیه طرح جامع و ترمیم آن به طرح ساختاری - راهبردی با توجه به نقاط ضعف و کاستی‌های فراوان طرح جامع و تفصیلی شهر گنبد کاووس.
- جلوگیری از تغییر کاربری و پیوستن روستاها و زمین‌های کشاورزی اطراف به بدنه اصلی شهر.
- نظارت بیشتر شهرداری بر ساخت و سازهای و جلوگیری از ساخت و سازهای بدون پروانه.
- سرعت بخشیدن به طرح‌های موجود در دست کار شهرداری.
- حمایت مالی و قانونی لازم جهت تحقق به موقع طرح‌های ساماندهی روستاهای پیرامونی.
- تلاش در جهت ایجاد هویت شهری، ساماندهی فضایی - کالبدی، بهسازی شبکه معابر و دسترسی‌ها.

منابع

- ۱- افروغ، عماد، (۱۳۷۷)، *فضا و نابرابری اجتماعی، ارائه الگویی برای جدایی‌گزینی فضایی و پیامدهای آن*، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- ۲- بنی فاطمه، حسین و کمال کوهی، (۱۳۸۶)، *تبیین عوامل، اثرات و پیامدهای حاشیه‌نشینی و ارائه راهکارهای تعدیل آن*، فصلنامه دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال دوم، شماره سوم، صص ۷-۲۴.
- ۳- پاپلی یزدی، محمدحسین و رجبی سناجردی، حسین، (۱۳۸۶)، *نظریه‌های شهر و پیرامون*، جلد دوم تهران، انتشارات سمت.
- ۴- پیران، پرویز، (۱۳۷۳)، *آلونک‌نشینی در ایران: دیدگاه‌های نظری*، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره‌های ۸۷-۸۸.
- ۵- حاج یوسفی، علی، (۱۳۸۱)، *حاشیه‌نشینی شهری و فرآیند تحول آن*، نشریه هفت شهر، فصلنامه عمران و بهسازی شهری، انتشارات سازمان عمران و بهسازی شهری، شماره هشتم، تهران.
- ۶- حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۸۱)، *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، چاپ هفتم، تهران، انتشارات سمت.
- ۷- جاجرمی، کاظم و کلتی، ابراهیم، (۱۳۸۵)، *سنجش وضعیت شاخص‌های کیفیت زندگی در شهر از نظر شهروندان، مطالعه موردی: گنبد قابوس*، مجله جغرافیا و توسعه، پاییز و زمستان، سال چهارم، شماره ۸، صص: ۵-۱۸.
- ۸- جواهری پور، مهرداد، (۱۳۸۲)، *ساخت‌یابی اقتصادی اجتماعی اسکان غیررسمی (مطالعه موردی در منطقه کلان شهری تهران)*، مجموعه مقالات در حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی، جلد اول، تهران، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.

- ۹- دویران، اسماعیل (۱۳۸۸) حاشیه رانده شدن، مسئله اسکان غیررسمی و اقتصاد سیاسی فضا، همایش ملی سکونتگاه های غیررسمی: چالش ها - راهبردها (با محوریت منطقه کلان شهری تهران)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری، اسفندماه.
- ۱۰- زیاری، کرامت ا... ونوذری، آذر دخت، (۱۳۸۸)، ساماندهی و توانمند سازی اسکان غیررسمی شهر اهواز (کوی منبع آب)، مجله پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره ۶۸، تابستان ۱۳۸۸، صص ۳۶-۲۱.
- ۱۱- شفیعا، محمدعلی و شفیعا، سعید و شفیعا، سپیده، (۱۳۸۹)، مدیریت بحران های احتمالی سکونتگاه های غیررسمی کلان شهر تهران، شناسایی، تحلیل، ارائه راهکار، سومین همایش ملی مقاوم سازی و مدیریت شهری، اردیبهشت ۱۳۸۹.
- ۱۲- شکوئی، حسین، (۱۳۷۹)، جغرافیای اجتماعی شهرها، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.
- ۱۳- شیعه، اسماعیل، (۱۳۸۰)، مقدمه ای بر برنامه ریزی شهری، تهران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت.
- ۱۴- صادقی، ش، (۱۳۸۰)، مکان یابی کاربری اراضی شهری با تأکید بر برنامه ریزی حمل و نقل درون شهری، نمونه موردی شهر گنبد کاووس، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علم و صنعت.
- ۱۵- صرافی، مظفر، (۱۳۸۲)، بازنگری ویژگی های اسکان خود انگیخته، در جستجوی راهکارهای توانمند سازی، مجموعه مقالات حاشیه نشینی و اسکان غیررسمی، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی، تهران.
- ۱۶- علی اکبری، اسماعیل، (۱۳۸۳)، توسعه شهری و آسیب شناسی اجتماعی در ایران، فصلنامه پژوهش های جغرافیایی سال سی و پنجم، شماره ۴۸، صص ۶۹-۴۹.
- ۱۷- قرخلو، مهدی، (۱۳۸۸)، تحلیل پایداری شهری در سکونتگاه های غیررسمی (مورد: شهر سنندج)، پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره ۶۹، پاییز ۱۳۸۸، صص ۱۶-۱.
- ۱۸- محمدی، یاسر و همکاران، (۱۳۸۷)، بررسی چالش های حاشیه نشینی در شهرستان کوهدشت استان لرستان، پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره ۶۶، زمستان ۱۳۸۷، صص ۸۵-۹۸.
- ۱۹- مرکز آمار ایران، (۱۳۸۵)، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵.
20. Aguilar, A.G,(2008), **Peri-urbanization, illegal settlements, and environmental impact in Mexico City**, *Cities* 25 (3) , 133-145.
21. Douglas, I, (2006), **Peri-urban ecosystems and societies: transitional zones and contrasting values. In: McGregor, D, Simon, D, Thompson, D. (Eds.), The Peri-Urban, Interface: Approaches to Sustainable Natural and Human Resource Use. Earthscan, London, pp. 18-29.**
22. Smolka, M, (2008), **Informality and poverty in Latin American urban policies. In: Martine, G, et al. (Eds.), The New Global Frontier: Urbanization, Poverty, and Environment in the 21st Century, Earthscan, London, pp.99-114.**
23. Zhang, L, (2011), **The political economy of informal settlements in post-socialist China: The case of chengzhongcun(s)**, journal homepage: www.elsevier.com/locate/geoforum. pp1-11.
24. <http://udro.org.ir>.